

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۱۰ دسمبر ۲۰۱۸

آیا واقعاً "غنی" هوشیار و "رقبایش" احمق اند؟

یکشنبه- ۱۸ قوس ۱۳۹۷ - کابل: از طریق رسانه ها مطلع شدیم که "محمد عمر داوودزی" از جانب "غنی احمدزی" در بست خارج رتبه با حق شرکت در جلسات "شورای امنیت ملی" به حیث "مشاور خاص رئیس جمهور در امر صلح و رئیس دبیر خانه شورای عالی صلح" مقرر گردید. در یادداشت امروز خواهم کوشید تا برداشت خودم را از این تقرر تازه، خدمت شما هموطنان عزیز تقدیم بدارم:

۱- "عمر داوودزی" که از باشندگان ولسوالی "قره باغ" کابل است، حین تجاوز شوروی بر افغانستان که در آن زمان محصل پوهنخی ساینس پوهنتون کابل بود، به مجاهدین پیوست. انتخاب و یا نوسان در انتخاب بین جمعیت اسلامی و اتحاد اسلامی سیاف و اجتناب از پیوستن با حزب "گلبدین" که آن زمان در "قره باغ" فعال بود، به چند علت صورت گرفت: اختلافات خانوادگی و فامیلی با قومندانهای مربوط به گلبدین قومندان کریم و برادران، علائق شدید تباری حتا در سطح برخورد های شوینیستی زمینه نزدیکی با سیاف را مساعد می ساخت و سلطه بعدی جمعیت اسلامی بر منطقه از طریق نفوذ روز افزون "صوفی رسول" استالف- فرزه و "انور دنگر" شکر دره و برخورداری از حمایت "احمدشاه مسعود" امکان حفظ جایداد خانوادگی شان را مساعد می ساخت.

۲- چنین شخصی که قادر شده بود با ریا و چالبازی منافع تباری را با حفظ جایداد گره بزند و در واقع از زیر ریش ربانی و سیاف خرسوار تیر کند، می بینیم که سر از انگلستان بیرون می کشد. این تنها "عمر داوودزی" نیست که به جای شرکت در مقاومت، سر از انگلستان بیرون می کند، بلکه "داوودزی" یکی از آنها نیست که دولت انگلیس در جوشا جوش جنگ در افغانستان، در پاکستان از طریق های کاملاً بویدار وابسته به "ISI" که روابط نزدیکی به "MI6" داشتند تعدادی بورس بین احزاب پشاور تقسیم نمود. به عبارت دیگر با دورنگری استخباراتی خاص "انگریزی" برای فردا های افغانستان کادر لازم تربیت نمود.

۳- از همان مجرای ارتباط با انگلستان بود که "داوودزی" در زمان "کرزی" به چوکی های سفارت و وزارت رسید. وقتی "غنی احمدزی" قدرت را از دست "جان کیری" گرفت، از آن جایی که فردی چون "حنیف اتمر" با تمام سوابقش به نمایندگی از "MI6" همه کاره دولت دست نشانده بود، لذا می بایست این عضو دیگر "MI6" به وظیفه دیگری گماشته می شد. چه وظیفه ای بهتر از عضویت در شورای عالی نهاد کچری قروت "شورای حراست و ثبات" که جواسیس تمام طیفها را در خود جای داده بود.

۴- در این اواخر که "حنیف اتمر" از جانب "غنی احمدزی" دور انداخته شد، با آن که جانشینش "محب" نیز در باتلاق "MI6" غسل نموده است، مگر ناتوانی های نامبرده در پیشبرد امور از یک جانب و جلوگیری از رقابت درونی بین دو عضو "MI6" در وجود "حنیف اتمر" و "عمر داوودزی" از جانب دیگر، انگلیس ها را وادار ساخت، تا عجالتاً به بازگشت "عمر داوودزی" در آخرین ماه های عمر دولت دست نشانده زیر رهبری "غنی احمدزی" موافقه نمایند.

۵- ظاهر امر چنان نشان می دهد، که "غنی احمدزی" واقعاً نسبت به رقبای سیاسی اش هوشیارتر و زیرکتر است و آنها سخت احمق و نادان اند، مگر واقعیت امر نمی تواند این طور باشد. چه در اینجا هوشیاری و حماقت این فرد و یا آن فرد مطرح نیست، بلکه تقابل و درگیری بین نهادهای استخباراتی است.

یعنی در حالی که امپریالیسم امریکا از طریق "خلیلزاد" و "غنی احمدزی" می کوشد تا جریان توافق با طالب را یک جانبه به نفع خود تمام کند و ایران، روسیه و چین از طریق پاکستان می خواهند تا جایگاه شان را در کنار طالب تثبیت نمایند، "MI6" و گردانندگان آن نمی توانند به مثابه ناظر کنار میدان ایستاده، از دور برای طرفین کف بزنند. به همین منظور فردی با سابقه و کارائی "عمر داوودزی" را به هزینه امریکا و "باندارگ"، به میدان می فرستند تا از یک جانب راه حرکت "حنیف اتمر" بدون مانع داخلی هموار گردد و از جانب دیگر، به مثابه چشم و گوش "MI6" نه تنها در جریان تمام قضایا قرار داشته باشد، بلکه در حد امکان نظارت و کنترل کامل نیز برقرار نماید.

وقتی از چنین منظری به قضایا نگریسته شود خواهیم دید که نه "غنی احمدزی" هوشیار تر از رقباء است و نه هم آنها احمق تر از "غنی احمدزی" اند، بلکه جنگ و رقابت بین نهاد های استخباراتی است که به هر یک رول و وظیفه ای سپرده است. این که در نهایت کدام یک از آنها برنده خواهد شد، امریکا در وجود "خلیلزاد و غنی" و انگلیس در وجود "محب و داوودزی" و یا رقبای بیرونی شان، در نهایت بازنده اش از همین اکنون روشن است و آن کسی نیست جز مردم افغانستان!

دیده شود چه می شود؟